

فرهنگیان کل سال ۱۴۰۰ را به تلاش مدنی برای رسیدن به حقوق خود گذراندند

رتبه‌بندی معلمان؛ آرزویی که قرار است محقق شود



گرفت و بعد از چند بار رفت و آمد بین کمیسیون آموزش و تحقیقات و صحن علنی برای رفع ابهامات م‌واد، بالاخره در ۲۴ آذرماه مواد این لایحه در صحن علنی به تصویب رسید.

در این مدت جمع‌ات معلمان همچنان ادامه یافته و مواضعی در مورد این لایحه در جمع‌ات معلمان مطرح شده است.

اگر چه بسیاری از معلمان به لایحه تصویب شده هم انتقاد دارند و آن را پایین‌تر از کف مطالبات فرهنگیان می‌دانند، اما باید منتظر نشست و دید که همین لایحه در اجرا چه سرنوشتی پیدا می‌کند و عملا تا چه حد رضایت معلمان را جلب خواهد کرد؟

داشت و یکبار هم به نقل از نیکزاد خیر رسید که دولت در پی پی هم گرفتن لایحه است اما مجلس مقاومت می‌کند؛ که البته این خبر تکذیب شد.

بعد از آن نوبت شورای نگهبان بود که این لایحه را برگرداند. این اتفاق دو بار افتاد؛ یکبار در روزهای پایانی دی و یکبار در روزهای پایانی بهمن. بعد از اینکه مجلس ایرادات اولیه شورای نگهبان را رد کرد و دوباره آن را به مجلس برگرداند، سخنگوی شورای نگهبان گفت: در لایحه رتبه بندی معلمان ابهاماتی وجود داشت که اگر روشن شود، به نفع فرهنگیان و معلمان عزیز است تا در اجرا با مشکلی مواجه نباشد.

او در پاسخ به سوآلی مبنی بر اینکه آیا شورای نگهبان نامه‌ای در زمینه پذیرش بار مالی لایحه رتبه‌بندی معلمان از سوی دولت دریافت کرده و یا خیر؟ گفت: دولت لایحه خودش را قبول دارد و نشان داده که لایحه خودش را پس نگرفته و مجلس هم تصویب کننده این لایحه است. ما در شورای نگهبان در این رابطه با ۲ دسته ایراد

رتبه بندی معلمان، موضوعی است که سالها است از سوی معلمان پیگیری می‌شود و دولت‌ها و مجلس‌های مختلف وعده‌هایی در این خصوص داده‌اند ولی متأسفانه در عمل اتفاق خاصی نیفتاده است.

این موضوع هراز گاهی معلمان را به تجمعات مدنی وامی‌دارد تا شاید گشایشی در کار مهمترین قشر سازنده آینده کشور ایجاد شود.

ایمن موضوع در سال ۱۴۰۰ از دو جنبه قابل توجه بود؛ یکی گسترش اعتراضات و تجمعات معلمان که بارها در شهرهای مختلف برگزار شد و دیگری اینکه لایحه ای از سوی دولت قبل برای «رتبه‌بندی معلمان» در مجلس وجود داشت که از «ارسال آن به مجلس» تا «تایید آن در شورای نگهبان» فاصله ای یک ساله پیدا کرد، لایحه ای که علی‌رغم اینکه بسیاری از فعالان این منصف منتقد آن هستند و معتقدند ایراداتی دارد که باید رفع شود.

بعضی رسانه‌ها هم نوشتند که معلوم نیست در نهایت آنچه در مجلس تصویب می‌شود تا چه اندازه اهداف سند تحول بنیادین را برای «ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای معلمان»، محقق کند.

این لایحه اسفند سال ۱۳۹۹ به دست مجلس رسید و کلیات آن در خردادماه در مجلس به تصویب رسید اما بعد از آن گویی به فراموشی سپرده شد! این موضوع موجب شد که در مهرماه ۱۹۰ نماینده بسرای در اولویت قرار گرفتن لایحه رتبه‌بندی معلمان درخواست بدهند.

در آن زمان رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: احتمالا تا دو ماه آینده رتبه‌بندی معلمان وارد فاز اجرا می‌شود.

پیش‌بینی می‌کنیم تا دو ماه آینده رتبه‌بندی معلمان برای اجرا آماده باشد که از ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ قابل احتساب است.

از همان زمان مشخص بود که آنچه کلیاتش در مجلس تصویب شده بود بار مالی زیادی برای دولت دارد و برای همین دولت نیم خواهد زیر بار آن برود.

بر همین اساس رئیس سازمان برنامه و بودجه از مجلس درخواست کرد که نظام رتبه‌بندی فرهنگیان طبق لایحه دولت اعمال شود چون در لایحه منابع به اندازه پیش‌بینی شده است و اگر بیش از این در نظر گرفته شود به خلق پول، استقراض و هزینه سنگین به قشرهای دیگر منجر خواهد شد.

آبان ماه جلسه ای غیرعلنی برای «تخصیص ۲۵ هزار میلیارد تومان برای اجرای رتبه‌بندی معلمان» برگزار شد که علی‌الظاهر دولت با آن موافقت کرد اما بعضی نمایندگان بلافاصله خیر دادند که دولت هیچ دولتی در این خصوص نداد. با این حال بررسی این لایحه در دستور کار قرار

«محدود سازی فضای مجازی» یا آنچه طیفی از اصولگرایان مجلس آن را «صیانت از فضای مجازی» می‌خواند یکی از برنامه‌هایی بود که در سال ۱۴۰۰ به شدت از طرف این افراد دنبال می‌شد و برای تصویب آن برنامه‌های مختلف ریخته شد؛ از «رای گیری برای تصویب این طرح دور از چشم مردم» تا «توهین به مخالفان این طرح».

آگاهی رسانی عمومی و شفاف سازی ناشی از فراگیری و ناتوانی در سانسور سلیقه ای و سیاسی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای گروه‌هایی که سالها حیات و قدرت خویش را در انحصار اطلاع رسانی و کنترل و سانسور سلیقه ای اخبار می‌دیدند، واقعا آزاردهنده است و برای ادامه حیات سیاسی آنها، محدود سازی اینترنت الزامی‌است. اما گسترش فضای مجازی تنها منصرف به انتشار اخبار و گزارش‌های سیاسی نیست.

نزدیک به یک دهه است که بسیاری از کسب و کارها به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منتقل شده‌ است و به همین خاطر محدود سازی فضای مجازی تنها به کنترل اخبار و اطلاعات منحصر نمی‌شود، بلکه ضربه ای سنگین و همه جانبه به فعالان اقتصادی و بسیاری از کسب و کارهاست.

به این ترتیب است که این اقدام برای طیف سیاسی مزبور خیلی آسان نبوده و در طی یک سالی که زور می‌زنند تا فضای مجازی را محدود کنند، اعتراضات بسیاری نسبت به این تصمیم ابراز شد و مانع از تصویب آسان و بدون دغدغه این طرح شد.

با این حال، آنقدر این محدود سازی برای این طیف سیاسی مهم است که ماه‌هاست تلاش کردند تا به هر روش ممکن ایمن طرح به ثمر بنشینند. داستان این طرح یکبار در تیرماه تا طرح در صحن علنی مجلس پیش رفت اما با توجه به بازتاب‌های منفی آن در جامعه و افکار عمومی، قالبیاف آن را از دستور کار مجلس خارج کرد.

چندی بعد مشخص شد که این کار برای دور کردن موضوع از آذهان عمومی، به این ترتیب ششم مرداد این طرح با رای نمایندگان مشمول ماده ۸۵ قانون اساسی شد تا راه برای بررسی و تصویب آن در خارج از صحن علنی باز شود.

اصل ۸۵قانون اساسی می‌گوید: «مجلس نمی‌تواند اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود» و بر این

چرا عده‌ای با فضای مجازی دشمن هستند!؟

محدود سازی اینترنت، آرزویی که بر آورده نشد



علی‌رغم برنامه ریزی قبلی برای تصویب بدون دردسر این طرح و عجله برای تصویب آن، مخالفت جلال رشیدی کوچی نماینده مردودشت باعث افشای چگونگی تصویب ایمن طرح در جلسه‌های محدود و با عجله شد.

یازدهم اسفند مهرداد ویس کرمی‌دبیر کمیسیون مشترک طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی در توییتی که فیلتر است اما او از آن استفاده می‌کند، مخالفان محدود سازی فضای مجازی را «گرگ‌های مجازی و سگ‌های قلاده بلند فریگرا» نامید.

این توهین ویسنی کرمی‌آنچنان بازتابی پیدا کرد که او، علی‌رغم اینکه چند روزی سعی کرد بر موضع خود پافشاری کند، نهایتا مجبور به عذرخواهی شد.

اما داستان توهین به مخالفان محدود سازی به مهرداد ویس کرمی‌محدود نشد و پس از آن حسین جلالی عضو هیئت رئیسه کمیسیون فرهنگی مجلس راه او را ادامه داد تا معلوم شود

ناتوانی در تصویب مخفیانه ایمن طرح، موافقان طرح را تا چه اندازه آزرده است که توان کنترل این طرح به صورت استمنزاجی صورت گرفت و سازی فضای مجازی گفت: «ما چوب برداشته ایم و یک عده حساب کار خود را کرده‌ اند؛ این در حالی است که ما هنوز کاری نکرده‌ ایم و تنها اشاره این نماینده به ضرب المثلی بود که با توجه گفته‌ایم که فضای مجازی را ضابطه مند کنیم.»

پس از آن به خاطر بازتاب‌های منفی این تصمیم‌های مجلس، چند ماهی خبری از این طرح نشد تا اینکه سه شنبه سوم اسفندماه و

در حالی که همه هوش و حواس مجلس مشغول تصویب لایحه بودجه است، یکباره اعلام شد که در فاصله بین جلسه علنی صبح و عصر، اعضای کمیسیون طرح حمایت از حقوق کاربران در فضای مجازی در جلسه ای با ۱۸ رای موافق کلیات این طرح را به تصویب رساندند!

سالی که بحران آب جدی‌تر شد

اعتراض به کم آبی؛ از خوزستان تا اصفهان



رحیم‌آباد بر سر وصل شدن دوباره با این خط لوله با مأموران درگیر شدند. به دنبال اعتراضات مردم اصفهان، مرسد چهارمحال و بختیاری نیز با مطالبات مشابه دست به تظاهرات زدند.

اعتراضات امسال بویژه در اصفهان و خوزستان نشان داد بحران آب در کشور جدی است و کم کم تبدیل به بحرانی عمومی‌و رفع آن به مطالبه ای فراگیر تبدیل می‌شود. خشک‌سالی‌های مکرر توأم بر برداشت بیش از حد آب‌های سطحی و زیرزمینی از طریق شبکه بزرگی از زیرساخت‌های هیدرولیکی و جاهای عمیق، وضعیت آب کشور را به سطح بحرانی رسانده‌است. از نشانه‌های این وضعیت

خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، تخریب کیفیت آب، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و طوفان‌های گرد و غبار بیشتر است. همچنین انتقال آب بین استانها که به دخالت بی حد و مرز در وضعیت منابع آبی تبدیل شده مشکلات فراوانی ایجاد کرده است.

با خشک‌تر شدن زمین، کمبود آب معیشت قطع حق‌آبه شکل گرفت. این اعتراضات با استقبال گسترده مردم اصفهان مواجه شد و هزاران نفر در محل تجمع حاضر شدند. اعتراضات که یک هفته طول کشید در ابتدا روندی بدون خشونت و آرام داشت اما روز پنج‌شنبه چهارم آذر، پس از حمله به معترضان و کشاورزان اصفهانی در بستر زاینده‌رود و آتش‌زدن چادر آنها، اعتراضات به خشونت کشیده‌شد و جمعه اعتراضات و درگیری‌ها به اوج رسید.

در پامداد ۵ آذر و برای بار چهارم در دو هفته منتهی به پایامن اعتراضات اصفهان، شماری از کشاورزان اصفهان در اقدامی اعتراضی خط لوله انتقال آب به یزد را با لودر تخریب کردند. این اقدام منجر به قطع شدن آب نقاطی در شهر یزد و بروز مشکلات عدیده برای شهروندان گردید. در شب جمعه ۶ آذر تعدادی از ساکنان روستای

زاینده رود، این قلب تپنده شهر اصفهان، سالهاست که کم آب و حتی بی آب است. زاینده رود، عامل زیبایی و چشم نوازی شهر اصفهان بود و یکی از مهمترین عوامل جذب گردشگران به این شهر. طبیعتا سی و سه پل و پل خاوجو بدون زاینده‌رودی که جاری باشد، جذابیتی ندارد. اما دست‌های رودی که جاری باشد، سالهاست تلاش کردند جایگاه اصفهان را از یک شهر دارای جاذبه برای گردشگران، به شهری صنعتی تغییر دهند و بیشترین کم توجهی به آثار باستانی و جاذبه‌های گردشگری اصفهان انجام شد. نزدیک به نیم قرن است حتی یک هتل پنج ستاره در اصفهان ساخته نشده و این شهر که یکی از توریستی ترین شهرهای ایران بوده و هست فقط دو هتل پنج ستاره داردا! زاینده رود از مهمترین جاذبه‌های این شهر

توریستی بود که به بهای صنعتی شدن اصفهان و استفاده از آب زاینده رود برای مصارف صنعتی، البته انتقال آب از سرچشمه‌های آن برای مصارف دیگر، کم کم خشک شده است. اما امسال، خشک شدن زاینده رود به دلیل تاثیرات منفی گسترده ای که روی زراعت کشاورزان داشت، موجب برگزاری تجمعات گسترده ای در بستر زاینده رود از سوی کشاورزان شد که مورد حمایت سایر اقشار مردم هم قرار گرفت تا با اعتراضات دامنه دار مردم اصفهان، کمبود آب در کشور، بار دیگر به عنوان یک معضل اساسی مورد توجه قرار گیرد.

بحران آب در سالی که گذشت، صرفا مختص زاینده رود و اصفهان نبود بلکه در خوزستان نیز بحران آب، اعتراضات مردم را در پی داشت. ۲۴ تیر ۱۴۰۰ اعتراض به کم آبی از شهرهای مختلفی در استان خوزستان آغاز شد. کم‌آبی در خوزستان با توجه به گرمای هوا و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌های کوچک، همچنین سسد سازی متعدد

بر رودهای خوزستان باعث فشار بر مردم خوزستان و اعتراض آنها به نحوه مدیریت آب در ایران شد. مردم خوزستان از انتقال آب از سرچشمه‌های کارون به استانهای دیگر گلایه مند بودند. بخشی از منابع آب چهارمحال و بختیاری در پروژه تونل ۶۴ کیلومتری بهشت آباد، به استان اصفهان منتقل شده که این موضوع با مخالفت نمایندگان استان خوزستان مواجه شد.

اما جالب اینجاست که انتقال آب در ایران، نه تنها اعتراضات ساکنان مبدا را به همراه داشته، بلکه ساکنان مقصد انتقال آب نیز از آن بهره ای نبرده اند! علاوه بر اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف استان خوزستان، کاربران شبکه‌های اجتماعی هم پوستر قرمز رنگی با عنوان «کارون جان ماست» و «کرخ جان ماست» را به عنوان تصویر پروفایل مشترک خود در شبکه‌های مجازی و پیام رسان‌ها گذاشتند که نشانه اعتراض مردم خوزستان به «صنود مجرمانه مجوز محیط زیستی

قتل‌های ناموسی چگونه دوباره در صدر قرار گرفت؟

چهره عریان خشونت در یک قتل ناموسی دیگر



می‌دانید این دعواها بین زن و شوهر طبیعی است و تا کنون غزل تقاضایی برای طلاق نکرده بود.»

اگرچه قتل‌های ناموسی منحصر به جغرافیای خاصی نیست و در نقاط مختلف کشور رخ می‌دهد اما عبدالصمد خرمنشاهی و کیل دادگستری می‌گوید: «چنین حوادثی در برخی مناطق کشور با جاهایی که به صورت طایفه‌ای

و عشیره‌ای زندگی می‌کنند، بیشتر رخ می‌دهد. این مسئله حاصل نوع نگاه و نگرش این فرهنگ‌ها به زن است. در این فرهنگ‌ها، نگاه به زن مستقل نیست؛ یعنی زن از طریق پدر یا همسرش شناخته می‌شود و خودش به تنهایی جایگاهی ندارد. به همین خاطر جزو مایملک مردان حساب می‌شود و آن‌ها نیز بر این اساس، خود را مالک جسم و جان و مال و ناموس زن یا فرزندشان می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت که این نگاه تبعیض‌آمیز حاصل باورهای غلط و سنتی و افکار نادرست رایجی است که متأسفانه حمایت تمام‌د خانواده

با طایفه را به دنبال دارد.»

عاطفه بروایت، کشتگر اجتماعی که خود نیز عرب است، اواسط دی‌ماه و پیش از قتل مونا حیدری گفته بود «بر اساس اطلاعاتی که توانستم مستندسازی کنم حدود ۶۰ زن در مدت ۲۰سال گذشته در خوزستان طی قتل‌های ناموسی جان خود را از دست داده‌اند، این زن‌ها همه عرب و بیشتر آنها ساکن اهواز بودند البته احتمالا تعداد قربانیان بیش از این تعداد است و ما فقط اخبار اینها را توانستیم بدست آوریم و پیگیری کنیم.»

اینها را توانستیم بدست آوریم و پیگیری کنیم.» گفته وی عادت‌هایی که در جامعه عرب رو به تغییر بود، به دلیل شرایط اقتصادی و اقلیمی و فقر افزایش داشته‌است.

قتل مونا حیدری دوباره موضوع قتل‌های ناموسی را مورد توجه قرار داد؛ قتل‌هایی که موشموند و خلیسی اوقات به بهانه‌هایی مثل خودکشی زن، پنهان میشوند و از هر ده‌ها مورد، یکی از آنها بازتاب می‌یابد.

مقامات پلیس در ایران همواره از قتل‌های ناموسی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل قتل در ایران نام می‌برند. در یک دهه اخیر گزارش‌های پراکنده‌ای درباره قتل‌های ناموسی منتشر شده، با این‌حال در سال‌های اخیر هیچ آمار جامعی از تعداد و جزئیات قتل‌های ناموسی در ایران منتشر نشده و تنها خبرهایی که جسته و گریخته در این باره منتشر شده موجب توجه به این موضوع شده است. قتل‌های ناموسی می‌تواند مانند قتل دختر سیزده ساله، رومینا اشرفی در تالش به دست پدرش باشد یا مثل قتل مونا حیدری در اهواز به دست شوهرش. اتفاقا همین قتل‌های فجیع موجب شده موضوع قتل‌های ناموسی مورد توجه قرار گیرد.

نخستین خبرها درباره قتل‌های ناموسی در سال جاری، اوایل سال ۱۴۰۰ منتشر شد.

خبرگزاری‌های کردی اوایل اردیبهشت امسال از «خودکشی» هفت زن در سنندج و شهرهای دیگر کردنشین ایران خبر دادند. در این میان نام سارینا غفوری هم دیده می‌شد. خبرهای اولیه حاکی از این بود که او هم به دلیل «مشکلات خانوادگی» خودکشی کرده است. خودکشی زنان در شهرهای

غرب ایران، موضوعی عجیب نیست. خصوصا در مناطقی که سنن عشیره‌ای و مشکلات اقتصادی و فرهنگی زنان را بیش از دیگران تحت فشار قرار می‌دهد. اما مدتی بعد در خبری دیگر گزارش شد که برادر سارینا غفوری «و او به خاطر نیتش برای ازدود کشته است.» و ۲۵ سال داشت، خیابانی می‌کرد و با فرزند خردسالش زندگی می‌کرد.

اما آنچه موضوع قتل‌های ناموسی را در سال جاری بیشتر مورد توجه قرار داد، قتل فجع مونا حیدری در اهواز بود. انتشار ویدئویی از شوهر مونا حیدری در حالی که سر بریده همسرش را در میدان کسایی در منطقه خشاریار شهر اهواز می‌چرخاند بازتاب وسیعی در رسانه‌های داخلی و خارجی و جامعه ایران داشت و همه را بهت زده کرد.

مونا (غزل) حیدری بر اساس اظهارات یک منبع، در ۱۲ سالگی به اجبار خانواده با پسر عمویش سجاد حیدری ازدواج کرد. آن‌ها یک پسر سه ساله داشتند. بر طبق این اظهارات «مونا حیدری همواره تحت خشونت خانگی بود و هر بار که درباره طلاق حرف زد و از آزارهای همسرش گفت، او را قانع کردند که باید به خاطر فرزندش زندگی‌اش را ادامه بدهد؛ اما عقابت مونا قید همه چیز را زد و به ترکیه فرار کرد.»

یک روایت دیگر هم از ازدواج مونا وجود دارد. یک فرد دیگری در گفتگوی صوتی با رادیو زمانه سنن ازدواج او را ۱۵ سالگی عنوان کرده‌است. او گفته که مونا حیدری که در دو سال از کودک‌همسر، کودک‌مادر می‌شود و یک فرزند